



## با چهره سرشناس و گوینده محبوب کشور ما محترمه (جمیله زمان انوری) آشنا شوید!

مصاحبه کننده : انجنیر عبدالقادر مسعود

زن که نیمی از پیکر جامعه ما است، نمیتوان از نقش سازنده اش چشم پوشید. مقام و منزلت والای مادر و زن در سرزمین باستانی و مردخیز ما قابل افتخار و ستایش است. یکی از شاخصه های توسعه جامعه انسانی حضور فعالانه زنان در خدمات و فعالیتهای عرصه های گوناگون سیاسی، تاریخی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی و فرهنگی میباشد، زیرا زنان با داشتن دانش، ذکاوت، خردمندی، هنرمندی، تدبیر، وفاداری و دلسوزی نقش موثر و سازنده میتوانند ایفا نمایند. زن به حیث یک مادر مهربان و محبوب، خردمند، پاک

اندیش، خانواده دوست، آگاه به آداب و رسوم زمان، دلیر و آگاه از امورات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه میتواند پیام آور صلح و آرامی و شگوفانی جامعه باشد.

در فرهنگ و ادبیات کشور ما مقام زن بمثابة یک مادر و مربی شایسته در پرورش ارزشهای والای انسانی، مهر و محبت، عطوفت، تربیت، برده باری، اخلاق، عفت، ذیرکی و ذکاوت، شرم و آداب، ایمان به خداوند و شکیبایی، اعتقاد به سرنوشت، صمیمیت و صداقت نسبت به شوهر و دهها صفات و خصایل پسندیده دیگر انسانی در خور ستایش و حرمت است.

با نام محترمه جمیله زمان انوری که از جمله نطاقان و گویندگان موفق، ورزیده و ژورنالیستان برجسته کشور ما است، هموطنان عزیز ما آشنا اند. خانم جمیله زمان انوری که یک زن مهربان و صاحب مزاج ظریف لطیف و ملایم، صبور، متواضع و برده بارو دارای اخلاق پسندیده و رفتار و کردار صمیمانه هستند در رشد و غنای عرصه های ادبی و فرهنگی کشور ما مانند ستاره درخشان مشعل بر جلال گویندگی را در وطن ما فروزان نگاه داشته اند.

خانم جمیله زمان انوری از جمله گویندگان و نطاقان موفق و با تجربه است. نامبرده با ذکاوت، ذیرکی، دانایی، فهم و دانش مسلکی که دارند و داشتند، برنامه ها و پروگرام های رادیو و تلویزیون وقت را شاداب و دلچسب ساخته بودند.

محترم ملزم که یکی از شاعران ورزیده و شخصیت برجسته دنیای ادب و فرهنگ کشور ما است، در وصف شخصیت اجتماعی، ادبی و فرهنگی محترمه جمیله زمان انوری قطعه شعری سروده اند، که توجه شما ادب دوستان عزیز را به آن جلب مینمایم:



## هدیه شاعر

## اثر ملزم

یک خانم باحس و خبیر است جمیله  
صافی تر از آینه و پاکیزه تر از آب  
این خانم باتربیه در عالم عرفان  
وی جفت جناب انوری و صاحب فضل است  
در بنونخی بلقیس اگر هست معلم  
کوشش کند این زن بره تربیه طفل  
دوشیزه گکانراچو خودش تربیه سازد  
این خانم شایسته بود در خور تمجید

یک بانوی دانا و بصیر است جمیله  
خوشبوی تراز مشک و عبیر است جمیله  
رخشنده تر از ماه منیر است جمیله  
هم در خور اوصاف کثیر است جمیله  
در مکتب اخلاق مدیر است جمیله  
در مسلک تعلیم دبیر است جمیله  
خوش طینت و پاکیزه چوشیر است جمیله  
عالی منش و پاک ضمیر است جمیله

ملزم چه کنی مدح زنی را که به فرهنگ  
در عرصه این شهر شهیر است جمیله

## سال سرودن شعر (۱۸-۱۲-۴۵)

این چهره برازنده و ممتاز در (۲۸) حمل سال (۱۳۲۱) هجری شمسی در کابل در باغ علی مردان در کوچه محمدزایی ها در یک خانواده روشنفکر چشم به دنیا گشود. نامبرده بعد از ختم تحصیلات عالی از لیسه ملالی در شهر کابل به پوهنخی تعلیم و تربیه شامل گردید. در سال (۱۳۴۴) هجری شمسی بعد از سپری نمودن تحصیلات از پوهنخی تعلیم و تربیه در بخش های مختلف تعلیم و تربیه ایفاء وظیفه نموده اند.

در ولایت کندوز در لیسه بلقیس به حیث معلم بعدا سر معلم مکتب سپس مدیر مکتب و نظر به لزوم دید وزارت تعلیم و تربیه در شهر کابل به حیث مدیر عمومی مکاتب دختران، مدیر عمومی نظارت تعلیم و تربیه شهر، مدیر عمومی میتودیک و پروگرام های تحصیلات عالی، مدتی به حیث مشاور ریاست کودکان ها، بعدا به صفت میتودیست مرکز علمی میتودیک و استاد اکمال تخصص معلمان و چند سال اخیر بحیث کادر مسلکی ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه اجرای وظیفه مینمودند.

محترمه جمیله زمان انوری در جریان وظایف در چندین سیمینار های روانشناسی، پیداگوژی، اداره و نظارت که تحت استادان آلمانی دایر گردیده بود فعالانه سهم داشتند که مورد ستایش و تمجید آنها قرار گرفته و تصدیقنامه های هم بدست آورده اند. در سال (۱۹۸۱) عیسوی میلادی با یک تعداد از مدیران مکاتب تعلیم و تربیه برای اشتراک در یک سیمیناری تعلیمی مدت یکماه عازم دهلی جدید گردیدند و بعد از ختم سیمینار با سند فراغت دوباره به وطن برگشتند.

در سال (۱۳۶۴) هجری شمسی از طرف ناحیه سوم شهر کابل بعنوان وکیل در شورای نمایندگان مردم نامزد گردیدند که با اتفاق آرا برای یک دوره انتخاباتی پذیرفته شدند. نامبرده

به کشور های مختلف خارجی جهت بازدید سیستم تحصیلی سفر های داشتند که صاحب تقدیر نامه ها و تحسین نامه ها گردیده اند.  
نامبرده در دیار غربت با فامیل خود در کشور هالند زندگی مینماید.  
با محترمه جمیله زمان انوری به خاطری معرفی بیشتر شان مصاحبهء داریم که توجه شما عزیزان را بآن جلب می نمایم.  
با عرض ادب و حرمت اجازه دهید پرسش های خود را آغاز نمایم.

**پرسش :** با نام شما به حیث گوینده و نطق سابقه دار رادیو و تلویزون وقت هموطنان ما آشنا اند. مهربانی نماید در مورد آغاز گویندگی تان و اینکه چگونه به این دنیای هنری وارد شدید و مشوق شما درین راه کی بود معلومات دهید؟

**پاسخ :** نسبت علاقمندی فراوان که به گویندگی داشتم همیشه در فعالیت های فرهنگی مکتب اشتراک میکردم آرزو داشتم با فعالیت در عرصه های فرهنگی مصدر خدمت شایسته در کشورم گردم، به همین دلیل در سال (۱۳۳۷) هجری شمسی که هنوز در صنف دهم مکتب بودم، به ریاست رادیو افغانستان وقت که در پل باغ عمومی جوار وزارت مخابرات موقعیت داشت جهت شمولیت و اجرای وظیفه در رشته نطقی مراجعه نمودم و بعد از سپری نمودن موفقانه امتحان بعنوان گوینده آغاز به کار نمودم. موفقیت ها و افتخاراتی که من در عرصه های گوناگون زندگی خود داشتم و دارم به خصوص در فعالیت های فرهنگی ام نقش فامیل خیلی ها برجسته است.

**پرسش :** اولین گویندگی شما از کدام برنامه آغاز شد و چه احساسی داشتید؟

**پاسخ :** اولین گویندگی من از اخبار (۸) صبح که به صورت زنده پخش میگردید آغاز شد. زمانیکه من در عقب میکروفون قرار گرفتم قلبم میلرزید و شاید صدایم هم میلرزید. میترسیدم که در خوانش اخبار سکتگی رخ ندهد، خوشبختانه که خوب گذشت و مورد تشویق مسوولین قرار گرفتم و بار و حیه خوبتر و بهتر پیش رفتم. ناگفته نباید گذاشت زمانیکه تلویزون ملی شروع به فعالیت کرد به عنوان گوینده رادیو و تلویزون با خاطرات بسیار خوب و اندکی هم خراب مدتی (۳۵) سال به این وظیفه ادامه دادم. از مردم پر غرور خویش سپاسگزارم که مرا پذیرفته بودند که تا اینجا رسیدم.

**پرسش :** به نظر شما اولین خانمی که به حیث نطق در رادیو افغانستان به فعالیت های فرهنگی و گویندگی آغاز نمود کی بود؟

**پاسخ :** به پاسخ پرسش شما به عرض برسانم اولین خانمی که درین عرصه پا گذاشته اند خانم (لطیفه کبیر سراج) بود که از جمله بهترین و با استعداد ترین چهره فرهنگی کشور ما است. و من دومین نطقی بودم که در پهلوی آنها به کار گویندگی آغاز نمودم.

**پرسش :** زمانیکه به شغل گویندگی آغاز نمودید آیا شرایط محیط ماحول برای شما مساعد بود یا خیر؟

**پاسخ :** شما میدانید که ما در یک کشور سنتی زندگی میکنیم، بخواهیم نه خواهیم در برابر نقش و فعالیت مثری زنان مشکلات و پیروبلیم های موجود بود و است. ولی بهر حال من توانستم با همکاری فامیلیم و به کمکی همکارانم، مردمم با این مشکلات مبارزه نمایم.

**پرسش :** در رادیو و تلویزون علاوه بر خوانش خبر در برنامه های دیگر هم فعالیت داشتید یا خیر؟

**پاسخ :** با کمال افتخار باید به عرض برسانم در رادیو و تلویزون نه تنها به حیث گوینده اخبار بلکه در برنامه های دیگر مانند: برنامه های زن و جامعه، برنامه های ملل متحد، اعلانات تجارتي، داستان های دنباله دار و یک تعداد برنامه های دیگر تا سال (۱۳۷۲) اجرای وظیفه نموده ام.

**پرسش :** به نظر شما گویندگی برای طبقه اناث مسلک جالب و قابل قبول است یا خیر؟

**پاسخ :** به نظر من هنر گویندگی برای خانم هایک شغل جالب، سنگین، خوب و دلچسپ است. خانم ها همیشه دوشادوش مردان به این هنر و الا مشغول بودند و هستند. قابل یادآوری است که درین هنری زیبا خانم ها نظر به احساس، ظرافت و عواطفی که دارند میتوانند با صدای مقبول، گیرا و دلپذیر شان توجه بیننده و شنونده را زیاتر به خود جلب نماید.

**پرسش :** در مورد همکاران تان و به خصوص محترمه فریده انوری که از جمله ژورنالیستان مشهور و ورزیده و گویندگان موفق و درخشان دنیای ادب و فرهنگ کشور ما است چطور می اندیشید؟

**پاسخ :** اینجانب به همه نطاقان و همکارانم بی نهایت احترام دارم ما باهم همکار نه بلکه مانند یک فامیل فرهنگی با هم جمع بودیم. محترمه فریده انوری این دکلماتور توانا در دنیای ادب و فرهنگ کشور ما به حیث یک خانم با استعداد جایی خاص دارد. او با صدای دلنشین خویش هر پارچه شعری را که دکلمه میکند توجه بیننده و شنونده را به خود جلب نموده و هموطنان ما از شنیدن صدای دلپذیرش احساس راحت و خوشی نمایند. واقعا استعداد بی نظیر دارد. درباره این ستاره درخشان هر قدر بگویم باز هم کم است، یادش بخیر موفقیت برایش آرزو دارم.

**پرسش :** به نظر شما تعریف، نطق یا گوینده چه است، و همچنان در گویندگی باید از کدام سلیقه ها و ویژگی های مسلکی استفاده نمود؟

**پاسخ :** گویندگی از جمله آن فنون ظریفه است که اگر با ریاضت و ممارست همراه شود میتواند هنرش خواند. تون و لحن آرام از ویژگی های یک گوینده است. در رسانه های تصویری صدا، سیما و سواد عناصر اصلی هنر گویندگی است. نطق یا گوینده باید از سواد کافی برخوردار باشد، دقت، توازن، بی طرفی، پشت کار، تسلط بالای زبان و ارتباط مستقیم با بیننده و شنونده حتمی است. همانگونه که گفتیم گویندگی هنر است در نظر گرفتن اساسات نطقی بسیار مهم است. یک نطق زمانی موفق است مطلبی را که برای بیننده و یا شنونده ارایه مینماید، باید خود را در قالب مطلب بیان دازد تا بتواند آنرا به شکل درست تقدیم نماید. ناگفته نماند که چهره ساده و آراسته، لباس منظم، برده باری و شکیبایی، تواضع و رفتار نیکو، داشتن دانش مسلکی از صفات خوبی یک گوینده است. خبر خواندن یک فن است، در خوانش متن ها، شعر، اعلانات اساسات مسلکی نطقی باید در نظر گرفته شود. بدترین نوع گویندگی

چیغ زدن است. در هر رشته اگر انسان خواسته باشد دیپلوم آنرا بدست می آورد مگر در هنر گویندگی کوشش، ریاضت عشق و علاقه بیشتر در کار است. بدبختانه درین اواخر در تلویزون های مختلف هر کسی که خواست یک مطلب را بدون در نظر داشت اساسات مسلکی گویندگی بیان میدارد که سخت متاثر کننده است و دلیلش اینست که گویندگان ما بدون تدریس مسلک گویندگی و بدون سپری نمودن کورسهای مسلکی نطقی به گویندگی میپردازند، در حالیکه در گذشته هابا امکانات کمتر اکثری گوینده های رادیو و تلویزون ملی اساسات نطقی راتحت نظر استادان ورزیده و مجرب داخلی و خارجی آموخته اند، که آنها بسیار خوب درخشیده اند، که بدبختانه فعلا همچو چیزی وجود ندارد.

**پرسش :** شما از تدریس کورسهای نطقی و گویندگی و از اثر گذاری و نقش استادان داخلی

و خارجی درین زمینه یاد آور شدید. آیا شما هم این کورسها را تعقیب نموده اید یا خیر؟

**پاسخ :** بلی من هم با یک عده از همکاران خود دو کورس دراز مدت را در رشته گویندگی و نطقی تعقیب نموده ام، که از اهمیت فراوان برخوردار بود. در تدریس این کورسها، ما تحت نظر استادان مجرب خارجی بنامهای (استاد مهربان نظروف از جمهوریت تاجکستان و فریمن از کشور امریکا) قرار داشتیم که تاثیر فوق العاده در کارهای ما داشت.

**پرسش :** پشت کار و توانمندی گویندگی از جمله اساسات اولیه گویندگی به شمار میرود. از نظر شما تا کدام حد در گویندگان نسل امروز محسوس است؟

**پاسخ :** عدم سپری نمودن دوره مسلکی نطقی و کورسهای گویندگی و نداشتن مطالعه کافی زمینه توانمندی گویندگان را تحت سوال قرار میدهد.

**پرسش :** به نظر شما یک نطق یا گوینده باید به کدام اصول و موازین ژورنالیستیکی توجه نماید؟

**پاسخ :** نطق باید احساس کند که عملا در برابر مخاطبان زنده اش قرار دارد، مانند و اعضانی که در منبر و یا رهبرانی که در تریبون صحبت میکنند، مخاطبش را بیابد و درکش کند.

**پرسش :** آیا در نحوه ارایه یک خبر سبک های خاص نیز وجود دارد یا خیر؟

**پاسخ :** طبعاً در گویندگی سبک های خاص وجود دارد. مثلاً خبر مژده دهنده، خبر متاثرکننده که هر کدام از ویژگی های خاصی سبک ها برخوردار است. از لحاظ مسلکی خوانش خبر ژانر ویژه و خود را دارد که گوینده باید به ژانر خبری آشنا باشد. گوینده باید تلاش نماید که یک خبر را با حرکات و به اصطلاح ژست های آزاد خبر بخواند درین حالت گوینده احساسی راحتی و آرامش مینماید و بیننده با شنیدن خبر بیشتر لذت میبرد.

**پرسش :** شما کدام برنامه های رادیو و تلویزون را بیشتر خوش داشتید و دارید؟

**پاسخ :** به شما معلوم است که بنده (۳۵) سال تمام در رادیو و تلویزون کشورم تازه ترین اخبار روز را قرائت کردم. در سال (۱۳۳۷) از اخبار (۸) صبح که به صورت مستقیم نشر میشد به نطقی شروع کردم و در سال (۱۳۷۲) با خواندن اخبار ساعت (۸) شب با وظایفم خداحافظی نمودم. باید بگویم همه برنامه هایکه از طریق رادیو و تلویزون کشورم پخش میگردد دوست دارم مگر علاقه فراوان به شنیدن و دیدن تازه ترین اخبار دارم، زیرا از تازه

ترین رویدادهای منطقه و جهان آگاهی حاصل مینمایم یعنی مقصدم این بود که علاقه زیادتر به شنیدن اخبار روزمره دارم.

**پرسش:** بهترین خاطره های کاری تان در رادیو و تلویزیون چه است؟

**پاسخ:** من در فعالیت های کاری خود با خاطره های خوش و اندکی تلخ مواجه شدیم. خاطره ها زیاد است می خواهم از آنجمله چند خاطره را بیان نمایم. خاطره های خوش من این است: زمانی که جمهوری دموکراتیک سردار محمد داود خان به پیروزی رسید. اولین پیام ریاست جمهوری افغانستان به صدای خودم و متن پشتو آن به صدای مرحوم داکتر حسن شیرزی بگوش هموطنان ما از طریق رادیو پخش گردید. و همچنان در سال (۱۳۶۲) هجری شمسی به عنوان مادر شایسته سال انتخاب و دیپلوم افتخاری نطای و جایزه مطبوعاتی را دریافت کردم.

**پرسش:** منحیث یک گوینده سابقه دار و با تجربه برای نطقان نسل جوان کشور ما چه

**پیامی دارید؟**

**پاسخ:** چنانچه شما میدانید پس از جنگ های چند دهه اخیر کشور همهء روشنفکران و منجمله نطقان اجبارا در خارج از کشور بسر میبرند و یاد داخل کشور جنگ زده افغانستان. پیامی من به آنانی که دور از وطن آبایی شان زندگی میکنند اینست که برای لحظه هم وطن شان را و وحدت و مشارکتی ملی شان را فراموش نکنند. و به نطقان و گویندگان نسل جوان که در داخل کشور به کار گویندگی میپردازند به دامن آنانی نه غلطند که خواه ما خواه با افکار بیمار شان حد اقل افتخاراتی ملی مانرا که هم میخوانند به باد فنا بدهند.

**پرسش:** مهربانی نموده توضیح دهید که چرا راه مهاجرت را در پیش گرفتید، و در دیار

**مهاجرت و غربت مشغول کدام نوع فعالیت های اجتماعی، ادبی و فرهنگی هستید؟**

**پاسخ:** در اثر جنگ های خونبار و غم انگیزی که در شهر کابل صورت گرفت و نسبت مشکلات حیاتی و نابسامانی شدن و دگرگون های وضع اجتماعی کشور، وحشت، چور و چپاول اجبارا اجرا آخرین برنامه اخبار شب از وظایفم خداحافظی کرده و راهی دیار هجرت گردیدم. فعلا چندین سال است که در کشور هالند زندگی دارم. قابل یادآوری میدانم که در دیار هجرت نیز کار کرد هایم از دیدگاه مردم مهربانم بدور نبوده و بدین دلیل در سال (۲۰۰۲) ع،م که بعد از دو دهه لویه جرگه اضطراری در کابل تدویر میگردد از افغانهای مقیم اروپا دعوت بعمل آمد تا دو نفر نماینده شان را جهت شرکت در لویه جرگه اعزام بدارند. خوشبختانه بنده از جمله کاندیدا بودم و با بدست آوردن رای بیشترین آرا در بین چهل هزار مهاجر افغان به عنوان نماینده در لویه جرگه اضطراری برای مدت یکماه عازم کشور محبوب مان گردیدم و بعد از ختم لویه جرگه دوباره به کشور هالند برگشتم. قابل یادآوری است که روزنامه نگاران و دست اندرکاران برنامه های مختلف تلویزیون کشور هالند جهت مصاحبه از بنده دعوت بعمل آوردند که محتوای مصاحبه هایم منعکس کننده موضوعات لویه جرگه و تغییرات زندگی اجتماعی، سیاسی، تحصیلی و وضع قیودات بیش از حد گروه طالبان بالای خانمها و غیره بود. همچنان قابل تذکار است که یک تن از ژورنالیست های هالندی کتابی را به نشر رسانید که بیانگر واقعیت ها و بدبختی های پنج کشور منجمله افغانستان بود که خوشبختانه باز هم از بنده

دعوت بعمل آمد تا مشکلات زنان و واقعیت های تلخ کشورم را با زندگی نامه خودم بیان دارم، کتاب متذکره بزبان هالندی حاوی یادداشت ها و عکسهای پنج کشور به چاپ رسیده. باید یاد آور شوم نسبت فعالیت های که در کشور هالند داشتیم و دارم، نظر به لزوم دیدبویگرافی بنده با چندین قطعه اسناد معتبر دوره های کارم و کتاب که در هالند بچاپ رسیده را با یک قطعه فوتویم دریکی از موزیم های بزرگ هالند در شهر دنهاخ از سال (۲۰۰۸)الی اخیر سال (۲۰۱۱) ع،م به نمایش گذاشته شده. که همهء این کارکردها و همهء افتخارات بنده مربوط مردم رنج دیده کشورم و خانواده ام است.

**پرسش :** به نظر شما تاثیرات فاجعه بار جنگ بروضع ادبی و فرهنگی افغانها در داخل و خارج کشور چگونه ارزیابی شده میتواند؟

**پاسخ :** در وطن جنگ زده ما حوادث و رخداد های مهمی بوقوع پیوسته اما جنگ های کابل به حیث یکی از جنگ های غم انگیز، خونبار، ویرانگر و چپاولگر ثبت تاریخ کشور ما است. فجایع و کشتار دوصد هزار شهروند معصوم و بی گناه شهر کابل، ویرانی (۷۰) تا (۹۰) فیصد آبادی های شهر کابل، مجروح و معلولیت و مهاجرت میلیونها انسان، چپاول و سرقت دارایی های ملی، تخطی های سریع حقوق بشر، افراط گرایی های قومی و مذهبی، سوختاندن مکاتب و مراکز علمی، ادبی، فرهنگی و کلتوری همه از پیامد های شوم و آشکار این جنگ ها است. پیامی من به همه ادب دوستان، فرهنگیان و مردم عزیز ما اینست که با اتحاد و اتفاق سراسری ملی و احترام به انسان و انسانیت دست بدست هم داده جلوجنگ و ویرانگری وطن عزیز مارا بگیریم تا با آمدن صلح سراسری و آرامی در کشور جنگ زده ما زمینه رشد و تکامل همه عرصه های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، ادبی و فرهنگی مساعد گردد.

**پرسش :** شما در مورد مقام زن در عرصه های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، ادبی و فرهنگی در داخل کشور چگونه می اندیشید؟

**پاسخ :** به شما بهتر معلوم است که افغانستان یک کشور سنتی است و همیشه در ادوار مختلف تاریخی به اشکال مختلف زنان تحت ظلم و ستم مردان قرار داشته و هنوز هم دارند، اما بانهم زنان قهرمان و با شهامت افغان بآدم بآدم قربانی های فراوان در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور جایگاه خاص خویش را داشته و دارند. در میان مردم ما مقولهء وجود دارد که بسیار پر معنا است و در آن گفته شده است: (که انسان از گل کرده نازکتر و از سنگ کرده سختتر است) اگر این سختی درباره عاطفی ترین و برده بارترین موجود روی زمین یعنی زن گفته شود مصداق بیشتر خواهد یافت، زیرا زن به گل تشبیه شده و دفاتر شاعران بزرگ ازین تشبیهات زیبا آکنده است. ما بهترین زنان شجاع در ادوار مختلف تاریخ و در عرصه های مختلف داریم که نامهای شان ماندگار و ثبت تاریخ کشور است. زن که مادر است، زن که همسر است، زن که خواهر است، زن است که بهترین نوابغ جهان را در دامان خویش پرورده و نسل ها را تربیه کرده خلاصه اینکه زن گر هگشای خانواده است با داشتن چنین اوصاف نیکو تحت ظلم، ستم، تحقیر و توهین تعداد از مردان قرار میگیرند. خداوند بزرگ فرموده است که جنت زیر پای پدر و مادر است. و مادر یک زن است. در شرایط فعلی درباره زنان قهرمان افغان هر قدر گفته شود باز هم کم است. تا جایکه می بینم زنان و خواهران



عزیز ما از نیمه آزادی برخوردارند و در عرصه های مختلف وظایف شان را با کمال صداقت و ایمان داری انجام میدهند، امید است با متحد بودن شان و دفاع از حقوق شان مصدر خدمات خوبتر و بهتر به هموطنان خویش گردند.

**پرسش :** شما موثریت و نقش وسایل ارتباط جمعی را در خشونت علیه زنان و اهانت و تحقیر مقام زن چگونه ارزیابی مینمایید؟

**پاسخ :** به شما معلوم است که ما در یک کشور سنتی و قبیلوی زندگی میکنیم، عنعنات، رسوم، عرف و عادات گوناگون در بخش های مختلف کشور ما حاکم است. زنان قهرمان کشور ما از سالهای متمادی به اینطرف از حقوق خود محروم اند، و در مقابل آنها خشونت های گوناگون وجود دارد. ناگفته نباید گذاشت که این خشونت ها تنها در کشور مانه بلکه در یک تعداد کشور های دیگر هم موجود است. به نظر من تمام روشنفکران، قلم بدستان و اهل خبره کشور ما از طریق وسایل ارتباط جمعی یعنی روزنامه ها، مجلات، رادیوها، تلویزیون ها، سینما ها، سایت های انترنیتی و غیره وسایل سمعی و بصری میتوانند در حل این معضله نقش و سهم فعالانه ادا نمایند. همچنان نهاد ها و کانون های فرهنگی با تدویر فعالانه جلسات، سمینارها، کنفرانسها، ورکشاپ های تبلیغاتی و وظیفه دارند تا در روشن ساختن ذهنیت عامه بپردازند، و بانظریات و پیشنهادهای سالم و معقول با اتفاق و اتحاد سراسری ملی در راه حل این مشکلات و معضلات مبارزه نمایند.

**پرسش :** پیام شما به بنیاد اتحادیه ژورنالیستان در داخل و خارج کشور ما چه است؟

**پاسخ :** سوال بسیار خوب است. اتحادیه ژورنالیستان در داخل کشور فعالیتهای خوب و مثری انجام میدهند، در جلسات، سمینارهای خود تصامیمی خوبی اتخاذ مینمایند، و در قبال آن ژورنالیستان عزیز ما وظایف خود را درحالات بسیار پر خطر به وجهه حسن انجام میدهند، مگر جای تأسف اینست که یک تعداد ژورنالیستان ما هدف قرار میگیرند و جانهای عزیز خود را از دست میدهند، و این حوادث تکان دهنده از طرف دولت به شکلی که لازم است بررسی نمی گردد. این ژورنالیستان انسان هستند، خانه و خانواده دارند، زندگی برای هر فرد و فامیلش زیبا و شریک است مگر این زیبایی به تلخی مبدل میشود. آرزو مندم که در مورد چنین تراژیدی ها دولت بیدار گردد و اقدامات و تصامیمی لازم اتخاذ نماید. ایکاش در خارج از کشور نیز اتحادیه ژورنالیستان وجود میداشت، ممکن در بعضی از کشورها وجود داشته باشد اما در کشور هالند وجود ندارد. باوصفی آنها فرهنگیان عزیز ما آرام نه نشسته اند، به کار و فعالیت خود ادامه میدهند که باعث افتخار هموطنان ما میباشد.

**پرسش :** پیام تان به زنان و مادران غمدیده کشور ما که امروز در شرایط خیلی ها دشوار زندگی مینمایند چه است؟

**پاسخ :** با اظهار سپاس از شما آرزو دارم که در کشور عزیز و آبایی ما که زخمی و پارچه پارچه است، در قدم اول آرامش و صلح سراسری برقرار گردد، و مادران عزیز و زنان غمدیده کشور ما دیگر داغ جگرگوشه های خود را نه بینند و قطره اشک در چشمان شان سرازیر نشود. در قدم دوم آرزو دارم دیگر گلیم خودسوزی ها، تجاوزات جنسی، قطع نمودن انگشتان زنان، و بعضا سنگ سار نمودن زنان و ازدواج های اجباری جمع گردد، در عوض فضای صلح و آرامی

و خوشبختی در کشور ما برقرار گردد تا مادران و زنان کشور ما دور از غم و درد با اولاد های نازنین شان نفسی راحتی بکشند. به امید خوشبختی و آرامی همه مادران و زنان کشور ما افغانستان.

**از شما سپاسگزارم که به پرسش های من پاسخ های قناعت بخش ارایه نمودید. به شما صحت و سلامتی و موفقیت های مزید خواهانم.**

**با اظهار سپاس و امتنان از شما آقای مسعود.** گامی مهم و مثمیری را که در راه معرفی فرهنگیان، ژورنالیستان، شعراء، نویسندگان و قلم بدستان کشور در دیار غربت و مهاجرت و دور از وطن برداشته اید، نهایت ارزنده و قابل قدر است. در زمینه برای شما حوصله مندی، طول عمر توام با صحت و سلامتی آرزو مندم، و ازینکه از بنده نیز یادآوری نمودید اظهار سپاس بی پایان از شما موفق و سرفراز باشید.

**باعرض حرمت و آرزوی سعادت شما و دوستان تان : انجنیر عبدالقادر مسعود**